

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۱

آیه ۹-۱۲

آیه و ترجمه

قل ائنکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین وتجعلون له اندادا ذلک رب العلمین (۹)
و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدر فیها اقوتها فی اربعة ايام سواء للسائلین (۱۰)
ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و للارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعتین (۱۱)
فقضاهن سبع سموات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها و زینا السماء الدنیا بمصباح و حفظا ذلک تقدیر العزیز العلیم (۱۲)
ترجمه :

۹- بگو: آیا شما به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید؟ و برای او همانند هائی قائل می شوید؟ او پروردگار جهانیان است.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۲

۱۰- او در زمین کوههائی قرار داد، و برکاتی در آن آفرید، و مواد غذائی مختلف آن را مقدر فرمود، اینها همه در چهار روز بود، درست به اندازه نیاز تقاضا کنندگان!
۱۱- سپس اراده آفرینش آسمان فرمود در حالی که به صورت دود بود، به آن و به زمین دستور داد به وجود آئید و شکل گیرید، خواه از روی اطاعت و خواه اکراه! آنها گفتند: ما از روی طاعت می آئیم!
۱۲- در این هنگام آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید، و آنچه را می خواست در هر آسمانی مقدر فرمود، و آسمان پائین را با چراغهای (ستارگان) زینت بخشیدیم و (با شهابها) از استراق سمع شیاطین حفظ کردیم، این است تقدیر خداوند دانا.

تفسیر:

دورانهای آفرینش آسمانها و زمین

آیات فوق نمونه‌ای از آیات آفاقی و نشانه‌های عظمت و علم و قدرت خدا در آفرینش زمین و آسمان و آغاز خلقت موجودات است که به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می‌دهد کافران و مشرکان را مخاطب ساخته و از آنها سؤال کند آیا خداوندی را که مبداء این عوالم پهناور و گسترده است هرگز می‌توانند انکار کنند؟ تا از این طریق وجدان و عقل و هوش آنها را بیدار کند و به داوری طلبد.

می‌فرماید: «بگو: آیا شما به آن کسی که زمین را در دو روز آفرید کافر هستید؟!»

(قل، انکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین).

«و برای او شبیه و نظیر هائی قائل می‌شوید» (و تجعلون له اندادا).

چه اشتباه بزرگ، و چه سخن بی‌پایه‌ای؟

«او پروردگار جهانیان است» (ذلک رب العالمین).

آیا کسی که این جهان را هم اکنون تدبیر می‌کند، او خالق این آسمان و زمین نیست؟ اگر او خالق و مدبر است پس این بتها و معبودهای ساختگی را چگونه در کنار او قرار می‌دهید؟ شایستگی پرستش تنها برای کسی است که

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۳

خلقت و تدبیر و مالکیت و حکومت جهان از آن او است.

در آیه بعد به آفرینش کوهها، و معادن و برکات زمین، و مواد غذایی پرداخته می‌فرماید: «او در زمین کوههائی قرار داد و برکات و منافی در آن آفرید، و مواد غذایی مختلف آن را مقدر فرمود، اینها همه در چهارروز بود» (و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعة ایام). «این مواد غذایی درست به اندازه نیاز نیازمندان و تقاضا کنندگان است» (سواء للسائلین).

به این ترتیب خداوند نیازمندیهای همه نیازمندان را پیش بینی کرده، و برای همه آنها آنچه لازم بوده است آفریده، و هیچ کم و کاستی در آن وجود ندارد، همانگونه که در آیه ۵۰ سوره طه می‌گوید: ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی: «پروردگار ما کسی است که به هر موجودی آنچه آفرینش او اقتضا داشت عطا کرد، و سپس او را در مسیرش هدایت نمود».

منظور از سائلین در اینجا ممکن است انسانها بوده باشند، یا اعم از انسانها و حیوانات و گیاهان (و اگر به صورت جمع عاقل ذکر شد به اصطلاح از باب

((تغلیب)) است).

مطابق این تفسیر نه تنها نیاز انسانها بلکه نیاز حیوانات و گیاهان را از

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۴

آغاز در زمین پیش بینی کرده، و آنچه برای ادامه حیات آنها لازم بوده، آفریده است.

در اینجا سؤال مهمی مطرح است و آن اینکه:

چگونه در آیات فوق آفرینش زمین را در دو روز، و کوهها و برکات و غذاها در چهار روز، و در دنباله این آیات، آفرینش آسمانها را نیز در دو روز ذکر کرده که مجموعاً هشت روز می شود؟ در حالی که در آیات فراوانی از قرآن مجید آفرینش آسمانها و زمین مجموعاً در شش روز، یا به تعبیر دیگر در شش دوران، بیان شده است.

مفسران در پاسخ این سؤال دو راه را انتخاب کردند:

راه اول که مشهور و معروف است اینکه: آنجا که می گوید ((اربعه ایام)) (چهار روز) منظور تتمه چهار روز است، به این ترتیب در دو روز اول از این چهار روز زمین آفریده شد، و در دو روز بعد سایر خصوصیات زمین، به اضافه خلقت آسمانها در دو روز مجموعاً شش روز (شش دوران) می شود. نظیر این تعبیر در زبان عرب و تعبیرات فارسی نیز وجود دارد که فی المثل گفته می شود: از اینجا تا مکه ده روز طول می کشد، و تا مدینه پانزده روز، یعنی پنج روز فاصله مکه و مدینه است و ده روز فاصله اینجا تا مکه. البته اگر آیات متعدد آفرینش در شش روز نبود چنین تفسیری پذیرفته نمی شد، ولی از آنجا که آیات قرآن یکدیگر را تفسیر می کنند، و قرینه یکدیگر می شوند، تفسیر بالا بخوبی قابل قبول است.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۵

راه دیگری که تعداد کمی از مفسران آنرا انتخاب کرده اند این است که: اربعه ایام (چهار روز) مربوط به آغاز خلقت نیست بلکه اشاره به فصول چهارگانه سال است که مبداء پیدایش ارزاق و پرورش مواد غذائی انسانها و حیوانات است. ولی این تفسیر علاوه بر اینکه هماهنگی را در میان جمله های آیات فوق تاءمین نمی کند چرا که در مورد خلقت زمین و آسمان یوم به معنی دوران آغاز پیدایش است، طبق این تفسیر ((یوم)) در مورد خصوصیات زمین و مواد

غذائی به معنی فصول سال می باشد که پیوسته تکرار می گردد. بعلاوه نتیجه آن این است که از شش روز آفرینش تنها از دو روز مربوط به خلقت زمین، و دو روز مربوط به خلقت آسمانها، بحث شده، اما دو روز باقیمانده که مربوط به خلقت موجوداتی است که میان زمین و آسمان قرار دارند (ما بینهما) سخنی به میان نیامده است. به هر حال تفسیر اول از جهاتی مناسبتر به نظر می رسد. شاید نیاز به تذکر نداشته باشد که روز در آیات فوق هرگز به معنی روز معمولی نیست، چرا که قبل از آفرینش زمین و آسمان اصلاً روز به این معنی وجود نداشت، بلکه منظور از آن دورانهای آفرینش است که گاه میلیونها یا میلیاردها سال به طول انجامیده. توضیح این معنی را به طور کامل در جلد ششم (ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف) صفحه ۲۰۰ به بعد آورده ایم. در اینجا دو نکته دیگر باقی می ماند که باید به آن توجه کرد: نخست اینکه منظور از «بارک فیها» چیست؟ ظاهر این است که اشاره به معادن و منابع زیر زمینی و روی زمینی و درختان و نهرها و منابع آب است که

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۶

مایه برکت و استفاده همه موجودات زنده زمین می باشد. در اینکه تعبیر به «فی اربعة ایام» (در چهار روز) مربوط به آفرینش کدامیک از موضوعاتی است که در آیه ذکر شده بعضی از مفسران چنین تصور کرده اند که تنها به مساءله «اقوات» (مواد غذایی) مربوط است، در حالی که چنین نیست، بلکه مربوط به هر سه قسمت مذکور در آیه است (آفرینش کوهها، آفرینش منابع و برکات زمین، و آفرینش مواد غذایی) زیرا در غیر این صورت بعضی از این امور داخل در ایامی که در آیات فوق آمده است نخواهد بود و این با نظام آیات تناسب ندارد. بعد از پایان سخنان مربوط به آفرینش زمین و مراحل تکاملی آن به بحث از آفرینش آسمانها پرداخته می فرماید: «سپس اراده آفرینش آسمان نمود در حالی که به صورت دود بودند، در این هنگام به آسمان وزمین فرمود: به وجود آئید و شکل گیرید، چه از روی طاعت و چه اکراه» (ثم استوی الی السماء و هی دخان فقال لها و للارض ائتیا طوعا و کرها). «آنها گفتند ما از روی طاعت و امتثال فرمان می آئیم» (قالتا

اتیناطائین).

«در این هنگام خداوند آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید و کامل کرد» (فقصاهن سبع سموات فی یومین).

«و در هر آسمان آنچه را می‌خواست امر و فرمان داد» و موجودات و مخلوقات مختلف را در آنها آفرید و به آنها نظام بخشید (و اوحی فی کل سماء امرها).

و آسمان پائین را با چراغهای ستارگان زینت بخشیدیم، و با شهابها از استراق سمع شیاطین حفظ کردیم» (و زینا السماء الدنيا بمصابیح و حفظا).

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۷

آری «این است تقدیر خداوند قادر و دانا» (ذلک تقدیر العزیز العلیم).

در این دو آیه نکات مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد:

۱ - تعبیر به «ثم» (سپس) معمولاً برای تأخیر در زمان می‌آید، ولی گاه به معنی تأخیر در بیان می‌باشد.

اگر به معنی اول باشد مفهومی این است که آفرینش آسمانها بعد از خلقت زمین و آفرینش کوهها و معادن و مواد غذایی صورت گرفته است، ولی اگر به معنی دوم باشد هیچ مانعی ندارد که آفرینش آسمانها قبل صورت گرفته، و زمین بعد از آن، ولی به هنگام بیان کردن نخست از زمین و ارزاق و منابع آن که مورد توجه و نیاز انسانهاست شروع کرده، سپس به شرح آفرینش آسمان پرداخته است معنی دوم گذشته از اینکه با اکتشافات علمی هماهنگتر است با آیات دیگر قرآن نیز موافقت دارد چرا که در سوره نازعات چنین می‌فرماید اءانتم اشد خلقا ام السماء بناها رفع سمکها فسواها و اغطش لیلها و اخرج ضحاها و الارض بعد ذلک دحاها اخرج منها مائها و مرعاها و الجبال ارساها متاعا لکم و لانعامکم:

«آیا زنده شدن شما بعد از مرگ مهمتر است، یا آفرینش آسمان؟ خداوند آن را بیان کرد و برافراشت و منظم ساخت، شب آن را تاریک، و روز آن را آشکار ساخت، و زمین را بعد از آن گسترده، آبهای درونی آن و گیاهان و چراگاههای آن را خارج نمود، و کوهها را بعد از آن پا بر جاساخت، تا وسیله زندگی برای شما و چهارپایان فراهم گردد» (نازعات ۲۷ - ۳۳).

این آیات به خوبی روشن می‌سازد که گسترش زمین و جوشیدن چشمه‌ها و پیدایش درختان و مواد غذایی، همه بعد از آفرینش آسمانها صورت گرفته

است، در حالی که اگر «ثم» را به تاء خیر زمانی تفسیر کنیم باید بگوئیم همه اینها قبل از آفرینش آسمان صورت گرفته، و از آنجا که کلمه بعد ذلک به روشنی همه اینها

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۸

را بعد از آن می‌شمرد، تفسیر ثم به تاء خیر بیانی روشن به نظر می‌رسد.
۲ - «استوی» از ماده «استواء» در اصل به معنی اعتدال یا مساوات دو چیز با یکدیگر است، ولی به طوری که بعضی از ارباب لغت و مفسران گفته‌اند این ماده هنگامی که با «علی» متعدی شود به معنی استیلاء و سلطه بر چیزی است، مانند الرحمن علی العرش استوی «خداوند بر عرش استیلاء دارد» (طه - ۵).

و هنگامی که با «الی» متعدی شود به معنی قصد می‌آید، مانند آیه مورد بحث که می‌فرماید: ثم استوی الی السماء: «سپس اراده آفرینش آسمان کرد».

۳ - جمله «هی دхан»: «آسمانها در آغاز به صورت دود بودنشان می‌دهد که آغاز آفرینش آسمانها از توده گازهای گسترده و عظیمی بوده است، و این با آخرین تحقیقات علمی در مورد آغاز آفرینش کاملاً هماهنگ است. هم اکنون نیز بسیاری از ستارگان آسمان به صورت توده فشرده‌ای از گازها و دخان هستند.

۴ - جمله «فقال لها و للارض ائتیا طوعا او کرها»: «خداوند به آسمان و زمین فرمود به شکل خود در آید از روی اطاعت یا اکراه» به این معنی نیست که واقعا سخنی با لفظ گفته شده باشد، بلکه گفته خداوند همان فرمان تکوینی، و اراده او بر امر آفرینش است، و تعبیر به «طوعا او کرها» اشاره به این است که اراده قطعی خداوند به شکل گرفتن آسمانها و زمین تعلق یافته بود و در هر صورت می‌بایست آن مواد به چنین صورت مطلوبی در آینده بخواهند یا نخواهند.

۵ - جمله «اتینا طائعين»: «ما از روی اطاعت شکل نهائی به خود گرفتیم اشاره به این است که مواد تشکیل دهنده آسمان و زمین از نظر تکوین و آفرینش

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۲۹

کاملاً تسلیم اراده و فرمان خدا بود، اشکال لازم را به خود پذیرفت، و هیچگونه مقاومتی در برابر این فرمان الهی از خود نشان نداد.

به هر حال روشن است که آن امر و این «امتثال» جنبه تکلیفی و تشریعی نداشته، بلکه صرفاً از نظر تکوین صورت گرفته است.

۶ - جمله «ففضاهن سبع سماوات فی یومین»: «آنها را به صورت هفت آسمان در دو روز آفرید» اشاره به وجود دو دوران در آفرینش آسمانها است که هر دورانی از آن میلیونها یا میلیاردها سال به طول انجامیده، و هر دوران به نوبه خود به ادوار دیگری تقسیم می‌شود، این دو دوران ممکن است دوران تبدیل گازهای فشرده به مایع و موادمذاب، و دوران تبدیل مواد مذاب به جامد بوده باشد.

قبلاً نیز گفته‌ایم: استعمال «یوم» و معادل آن در فارسی (واژه روز) و در لغات دیگر به معنی «دوران» بسیار رایج و متداول است، و حتی در کلمات روزمره ما فراوان دیده می‌شود، فی المثل می‌گوئیم انسان در زندگی یکروز گرفتار ناکامی می‌شود و روز دیگر پیروز می‌گردد، اشاره به ترکیب زندگی از دورانهای مختلف شکست و پیروزی است. شرح مبسوطی در این زمینه در جلد ۶ صفحه ۲۰۰ (ذیل آیه ۵۴ سوره اعراف) ذکر شده است.

۷ - عدد «سبع» (هفت) ممکن است در اینجا «عدد تکثیر» باشد یعنی آسمانهای فراوان و کرات بیشمار آفریدیم، و نیز ممکن است «عدد تعداد» باشد، یعنی عدد آسمانها درست هفت است، باین قید که تمام آنچه از کواکب و ستارگان ثوابت و سیارات را می‌بینیم طبق گواهی جمله بعد در این آیه جزء آسمان اول است، به این ترتیب عالم آفرینش از هفت مجموعه بزرگ تشکیل یافته که تنه‌ها یک مجموعه آن در برابر دیدگان انسانها قرار گرفته، دستگاههای علمی

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۰

و تحقیقاتی انسان به ماوراء این منطقه یعنی غیر از آسمان اول نفوذ نکرده است.

اما شش عالم دیگر چگونه است؟ و از چه تشکیل یافته جز خدانی داند. این تفسیر صحیحتر به نظر می‌رسد (شرح بیشتر این موضوع را در جلد اول، در تفسیر آیه ۲۹ بقره، تحت عنوان آسمانهای هفتگانه مطالعه فرمائید) چاپ جدید

صفحه ۱۶۵).

۸ - جمله «واو حی فی کل سماء امرها»: «در هر آسمانی فرمان خود را وحی کرد و نظام لازم را به آنها بخشید» اشاره به این است که تنها با آفرینش آسمانها مسأله تمام نشد، بلکه در هر کدام آنها موجودات و مخلوقات و نظام و تدبیر خاصی مقرر فرمود که هر یک به تنهایی نشانه‌ای از عظمت و علم و قدرت او است.

۹ - جمله «و زینا السماء الدنيا بمصابيح و حفظا»: «آسمان پائین را به چراغهای روشن ستارگان زینت بخشیدیم و در آن شهابهایی که پهنه آسمان را از شیاطین حفظ می‌کنند آفریدیم» دلیل بر این است که همه ستارگان زینت بخش آسمان اول می‌باشند و در نظر انسانها همانند چراغهایی هستند که از سقف این آسمان نیلگون آویزان شده است، و نه تنها زینت آسمانند و با تلالا خاص و چشمک زدنهای پرمعنی و پی در پی قلب عاشقان اسرار آفرینش را به سوی خود جذب می‌کنند، و ترانه توحید سر می‌دهند، بلکه در شبهای تاریک برای گمشدگان بیابانها چراغهایی هستند که هم با روشنائی خود راهنمائی می‌کنند، و هم سمت و جهت حرکت را معین می‌سازند.

«شهب» که در حس ما به صورت ستارگان سریع السیری در آسمان ظاهر می‌شوند تیرهایی هستند که بر قلب شیاطین می‌نشینند، و پهنه آسمان را از نفوذ آنها حفظ می‌کنند (شرح این موضوع را در جلد ۱۱ صفحه ۴۰ به بعد، ذیل آیه ۱۷ سوره حجر، و شرح تکمیلی آن را در جلد ۱۹ ذیل آیه ۷ سوره صافات

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۱

مطالعه فرمائید).

۱۰ - جمله «ذلک تقدیر العزیز العلیم»: «این آفرینش و اندازه‌گیری خداوند قادر دانا است در حقیقت مکملی است برای ۹ جمله قبل و مجموعاً «عشره کامله‌ای» را تشکیل می‌دهد و می‌گوید: تمام آنچه در آسمان و زمین از آغاز آفرینش سپس دوران شکل‌گیری و نظم دقیق رخ داده، همه برنامه حساب شده‌ای داشته که از ناحیه آن مبداء بی‌پایان علم و قدرت تنظیم گردیده، و اندیشه و تفکر در هر کدام راهی به سوی آن مبداء بزرگ می‌گشاید.

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۲

آیه ۱۳ - ۱۶

آیه و ترجمه

فان اعرضوا فقل انذرتکم صعقة مثل صعقة عاد و ثمود (۱۳)
اذ جاءتهم الرسل من بین ایدیهم و من خلفهم الاتعبدوا الا الله قالوا لو شاء ربنا
لانزل ملئكة فانا بما ارسلتم به كفرون (۱۴)
فاما عاد فاستكبروا فی الارض بغير الحق و قالوا من اشد منا قوة ا و لم یروا ان
الله الذی خلقهم هو اشد منهم قوة و كانوا بئایتنا یجحدون (۱۵)
فارسلنا علیهم ریحا صر صرا فی ایام نحسات لنذیقهم عذاب الخزی فی الحیوة
الدنیا و لعذاب الاخرة اخزی و هم لا ینصرون (۱۶)

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۳

ترجمه :

۱۳ - اگر آنها رویگردان شوند بگو: من شما را به صاعقه‌ای همانند صاعقه عاد و ثمود تهدید می‌کنم!
۱۴ - در آن هنگام که رسولان آنها از پیش رو و پشت سر (و از هر سو) به سراغشان آمدند و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت کردند آنها گفتند:
اگر پروردگار ما می‌خواست فرشتگانی نازل می‌کرد، لذا ما به آنچه شما مبعوث به آن هستید کافریم!
۱۵ - اما قوم عاد به ناحق در زمین تکبر ورزیدند، و گفتند چه کسی از مانیرومندتر است؟ آیا آنها نمی‌دانستند خداوندی که آنها را آفریده از آنها قویتر است، آنها (به خاطر این پندار) پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند.
۱۶ - سرانجام تند بادی شدید و هول انگیز و سرد و سخت در روزهای شوم و پر غبار بر آنها فرستادیم، تا عذاب خوار کننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم، و عذاب آخرت از آن هم خوار کننده‌تر است و (از هیچ سو) یاری نمی‌شوند.

تفسیر:

از صاعقه‌ای همچون صاعقه عاد و ثمود بترسید!

به دنبال گفتار مؤثری که در زمینه توحید و شناسائی خداوند در آیات گذشته آمد، در آیات مورد بحث مخالفان لجوج را که اینهمه نشانه‌های روشن و آیات بینات را نادیده می‌گیرند شدیداً انذار کرده و به آنان هشدار می‌دهد و می‌گوید: «اگر با این همه دلائل روی گردان شوند به آنها بگو: من شما را به صاعقه‌ای همچون صاعقه قوم عاد و ثمود

تهدید می‌کنم» (فان اعرضوا فقل انذرتکم صاعقه مثل صاعقه عاد و ثمود).
از آن بترسید که همان صاعقه‌های مرگبار و آتش زا و در هم کوبنده به سراغ

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۴

شما بیاید و به زندگی ننگین شما خاتمه دهد.

در آغاز این سوره خواندیم بعضی از سران مشرکان مکه مانند «ولید بن مغیره» (و به روایتی عتبه بن ربیعہ) برای تحقیق پیرامون قرآن و دعوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خدمتش آمدند و سؤالاتی کردند و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در ضمن پاسخ آیات آغازین سوره را برای آنها تلاوت کرد، هنگامی که به آیات فوق رسید و آنان را به صاعقه‌ای همچون صاعقه عاد و ثمود تهدید نمود چنان تکان خوردند و در وحشت فرو رفتند که دیگر قادر به ادامه سخن نبودند، برخاستند به سوی گروه خود بازگشتند، و تأثر شدید خود را از این کلمات اضطراب انگیز بیان کردند.

«صاعقه» به گفته «راغب» در «مفردات» صدای مهیبی است که در جو ایجاد می‌شود و آتش یا مرگ یا عذاب همراه دارد به همین جهت است که گاهی صاعقه را به مرگ، و گاه به آتش اطلاق می‌کنند.

«صاعقه» طبق تحقیقات دانشمندان امروز جرقه عظیم الکتریسته است که در میان قطعه ابری که بار مثبت دارد با زمین که بار منفی دارد ایجاد می‌شود و معمولاً به نوک کوهها، درختان و هر شیء مرتفع و دریا بانهای مسطح به انسانها و چارپایان می‌خورد، حرارت آن به قدری زیاد است که هر چیزی در میان آن قرار گیرد تبدیل به خاکستر می‌شود، و صدای مهیب و زمین لرزه شدیدی را در همان نقطه به همراه دارد، و می‌دانیم خداوند گروهی از اقوام سرکش پیشین را به وسیله آن مجازات کرد، و عجیب اینکه با تمام پیشرفتهای علمی که نصیب بشر شده هیچ وسیله‌ای برای دفع آن وجود ندارد و انسان از مبارزه با آن عاجز است.

اما چرا از میان همه اقوام در اینجا انگشت روی قوم عاد و ثمود گذاشته شده است؟

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۵

این به خاطر آن است که عرب از وضع آنها آگاهی داشته، و آثار ویرانه‌های شهرهای آنها را با چشم خود دیده بودند، بعلاوه به حکم آنکه یک قوم بیابان

گرد بودند از خطرات صاعقه به خوبی آگاهی داشتند. سپس می‌افزاید: «به خاطر بیاورید هنگامی را که پیامبران الهی از هرسو، از پیش رو و پشت سر، به سراغشان آمدند و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت کردند» (اذ جائتهم الرسل من بین ایدیهم و من خلفهم الا تعبدوا الا الله). تعبیر «من بین ایدیهم و من خلفهم» ممکن است اشاره به همان باشد که در بالا گفتیم یعنی پیامبران الهی از تمام وسائل هدایت و تبلیغ استفاده کردند، و از هر دری ممکن بود وارد شدند تا در دل این سیاهدلان نفوذ کنند. و نیز ممکن است اشاره به پیامبرانی باشد که در زمانهای مختلف در میان این اقوام آمدند و ندای توحید سر دادند. اما ببینیم آنها در برابر تلاش عظیم و گسترده این رسولان الهی چه پاسخی گفتند؟!

می‌فرماید: «آنها گفتند: اگر پروردگار ما می‌خواست فرشتگانی نازل می‌کرد تا دعوت او را به ما ابلاغ کنند نه انسانهایی همانند خود ما» (قالوا لو شاء ربنا لانزل ملائكة).

اکنون که چنین است ما به طور مسلم به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید کافریم، و اصلاً اینها را از سوی خداوند نمی‌دانیم (فانا بما ارسلتم به کافرون)

مفهوم این سخن آن نیست که شما رسولان خدائید و ما به رسالت شما ایمان نمی‌آوریم، بلکه منظور این است شما اصلاً رسالتی ندارید فقط ادعائی بی اساس می‌کنید و به همین دلیل ما تسلیم سخنان شما نخواهیم شد (بنابراین منظور از جمله «ما ارسلتم به») یا استهزاء و سخریه است و یا مقصود این است که طبق ادعای

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۶

شما چنین رسالتی دارید).

این همان بهانه‌ای است که قرآن کراراً از منکران دعوت انبیا نقل می‌کند که انتظار داشتند پیامبر الهی همیشه فرشته‌ای باشد، گوئی بشر هرگز شایستگی این مقام را ندارد، چنانکه در آیه ۷ سوره فرقان نیز آمده است، و قالوا ما لهذا الرسول یاکل الطعام و یمشی فی الاسواق لو لا انزل علیه ملک فیکون معه نذیرا: «آنها گفتند: چرا این پیامبر غذایی خورد، و در بازارها راه می‌رود؟ چرا لا اقل فرشته‌ای بر او نازل نشده تا همراه وی مردم را انداز

کند»؟!)

بی‌خبر از آنکه رهبر انسان باید از نوع انسان باشد، تا به دردها و نیازها و مشکلات و مسائل مختلف زندگی او آشنائی داشته باشد، تا بتواند قوده و اسوه او گردد، لذا قرآن در آیه ۸ سوره انعام تصریح می‌کند که «اگر او را فرشته قرار می‌دادیم حتماً وی را به صورت انسانی درمی‌آوریم»! (و لو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا).

در آیات بعد چنانکه روش قرآن است بعد از ذکر اجمال به تفصیل درباره عاد و ثمود پرداخته، می‌گوید اما قوم عاد در زمین بدون حق تکبر کردند. (و هر کبری ناحق است) تا آنجا که گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟! (فاما عاد فاستکبروا فی الارض بغیر الحق و قالوا من اشد مناقوة). می‌دانیم آنها جمعیتی بودند که در سرزمین احقاف در ناحیه «حضر موت» در جنوب «جزیره عربستان» زندگی داشتند، و از نظر قدرت جسمانی، و تمکن مالی، و تمدن مادی کم‌نظیر بودند، قصرهای زیبا و قلعه‌های محکم می‌ساختند، مخصوصاً بر مکانهای مرتفع بناهایی که نشانه قدرت و وسیله خودنمایی بود بر پا می‌کردند، مردمانی خشن و جنگجو بودند، و این قدرت ظاهری آنها را سخت مغرور کرده بود چنانکه خود را جمعیتی شکست‌ناپذیر و برتر از همه می‌پنداشتند،

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۷

و به همین دلیل در برابر خدا و پیامبرشان «هود» به طغیان و سرکشی و تکذیب و انکار برخاستند.

اما قرآن در پاسخ این ادعا می‌گوید: آیا آنها نمی‌دانستند خداوندی که آنان را آفریده از آنها قویتر است؟! (او لم یروا ان الله الذی خلقهم هواشد منهم قوه). نه تنها خالق آنها که خالق تمام آسمانها و زمین است، اصلاً این دو قدرت قابل مقایسه نیست، قدرت ناچیز وابسته فانی کجا، و قدرت بی‌انتهای جاودانی و ذاتی حق کجا؟ و خاک را با آفریننده افلاک چه نسبت؟ ما للتراب و رب الارباب؟.

در پایان آیه می‌افزاید: «آنها بر اثر این پندار بی‌اساس پیوسته آیات ما را انکار می‌کردند» (و کانوا بایاتنا یجحدون).

آری انسان بی‌مایه و کم‌ظرفیت هنگامی که مختصر قدرتی در خود احساس کند سر به طغیان بر می‌دارد، و حتی گاه از بی‌خردی به مبارزه با قدرت خدا

برمی‌خیزد، و خداوند بزرگ چقدر ساده و آسان با یک اشاره عوامل حیاتشان را به عامل مرگشان تبدیل می‌کند، چنانکه در همین ماجرای عاد در آیه بعد اضافه می‌کند: «سرانجام تند بادی شدید و پرصدا و هول انگیز و سرد و سخت، در روزهای شوم و پرغبار، بر آنها فرستادیم، تا عذاب خوار کننده را در زندگی دنیا به آنها بچشانیم» (فارسلنا علیهم ریحا صرصرای فی ایام نحسات لنذیقهم عذاب الخزی فی الحیوة الدنیا). این تند باد عجیب چنانکه در آیات دیگر قرآن آمده چنان آنها را از زمین

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۳۸

بلند می‌کرد و زمین می‌کوبید، همچون تنه‌های درخت خرما که از ریشه‌کنده شده باشد.

این تند باد هفت شب و هشت روز می‌وزید، و تمام زندگی این قوم جبار خود خواه مغرور را در هم می‌کوبید، و جز ویرانه‌ای از آن قصرهای پرشکوه و زندگی مرفه و اموال سرشار باقی نماند.

در پایان آیه می‌گوید: تازه این عذاب دنیا است، «و عذاب آخرت از آن هم خوار کننده‌تر است» (و لعذاب الاخرة اخزی).

به گونه‌ای که تمام این مجازاتهای دردناک در مقابل آن جرعه‌ای است در برابر دریای آتش!

و از همه سخت‌تر اینکه «هیچکس به یاری آنها نمی‌شتابد، و از هیچ سویاری نمی‌شوند» (و هم لا ینصرون).

آری آنها یک عمر تلاش کردند که خود را بزرگ نشان دهند، خداوند هم به هنگام عذاب مجازاتی خوار کننده در این دنیا و جهان دیگر برای آنان قائل شده است، تا بینی این متکبران مغرور را بر خاک بمالد.

«صرصر» (بر وزن دفتر) در اصل از ماده صر (بر وزن شر) به معنی محکم بستن است، و به همین جهت کیسه‌ای را که در آن پول می‌گذارند و در آن را محکم می‌بستند صره (بر وزن طره) می‌نامیدند، سپس به بادهای بسیار سرد یا پر سر و صدا، و یا مسموم و کشنده، اطلاق شده است، و شاید تند باد عجیبی که قوم عاد را در هم کوبید دارای همه این صفات سه گانه بوده است.

«ایام نحسات» به معنی روزهای نحس و شوم است، و بعضی آن را به معنی

روزهای پر گرد و غبار، یا روزهای بسیار سرد دانسته‌اند، جمع این سه معنی نیز در آیات مورد بحث ممکن است.

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به عنوان یک درس بیدار کننده اخلاقی در یکی از خطبه‌های نهج البلاغه انگشت روی همین داستان قوم عاد گذارده چنین می‌فرماید: و اتعظوا فیها بالذین قالوا: من اشد مناقوة حملوا الی قبورهم، فلا یدعون رکباناً، و انزلوا الاجداث فلا یدعون ضیفاناً، و جعل لهم من الصفیح اجنان، و من التراب اکفان، و من الرفات جیران:

«در این دنیا از کسانی پند گیرید که می‌گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ اما همانها را به سوی قبرهایشان حمل کردند، در حالی که اختیاری از خود نداشتند، و درون قبرها وارد شدند، در حالی که میهمان ناخوانده‌ای بودند، در دل سنگها خانه‌های قبر برای آنان ساخته شد، و از خاک کفن‌ها، و از استخوانهای پوسیده همسایگان!

نکته‌ها:

۱ - عامل نابودی قوم عاد چه بود؟

مطابق آیه ۱۳ همین سوره قوم عاد و ثمود هر دو با صاعقه نابود شدند، در حالی که آیات مورد بحث می‌گوید: آنها با تند باد سرد و شدید (صرصر) از میان رفتند، آیا این دو منافاتی با یکدیگر ندارد؟ در پاسخ باید گفت: مفسران و ارباب لغت برای صاعقه دو معنی ذکر کرده‌اند: معنی عام، و خاص

«صاعقه» به معنی عام به معنی هر چیزی است که انسان را هلاک می‌کند و به گفته مجمع البیان: «المهلكة من کل شیء».

معنی خاص جرقه عظیم آتشی است که از آسمان فرود می‌آید، و هر چیزی را که در مسیر آن قرار گیرد می‌سوزاند که شرح آن را در تفسیر همین

آیات بیان کردیم (این جرقه بزرگ از مبادله الکتریسته میان ابر و زمین حاصل می‌شود).

بنابراین اگر «صاعقه» به معنی اول باشد هیچ منافاتی با تند باد ندارد. راغب در مفردات می‌گوید: بعضی گفته‌اند که صاعقه سه گونه است:

صاعقه به معنی مرگ، و به معنی عذاب، و به معنی آتش، مخصوصاً در آیه «انذرتکم صاعقة مثل صاعقة عاد و ثمود» به معنی عذاب تفسیر شده است،

سپس «راغب» می‌افزاید: همه اینها در یک معنی جمع می‌شود: «صاعقه

صدای شدیدی است که از جو برمی خیزد که گاه تنها در آن آتش است، و گاه عذاب دیگر، و گاه مرگ، صاعقه یک چیز است و اینها اثرات آن است. این احتمال نیز وجود دارد که قوم عاد گرفتار دو گونه عذاب شدند، نخست تند بادی کوبنده که همه چیز آنها را در یک مدت طولانی در هم می کوبید بر دیوار آنها مسلط شد، سپس صاعقه آتشین مرگبار به فرمان خدا آنها را فرو گرفت. ولی پاسخ اول با در نظر گرفتن آیات دیگر قرآن که از مجازات قوم عاد سخن می گوید مناسبتر است.

۲ - روزهای نحس قوم عاد

گروهی معتقدند روزهای سال بر دو گونه است: روزهای نحس و شوم، و روزهای سعد و برکت، و به آیات فوق استدلال کرده اند، آنها می گویند: تأثیر مرموز و ناشناخته ای در روزها و شبها وجود دارد که آثار آن را احساس می کنیم، اما علل آن برای ما مبهم است. در حالی که بعضی دیگر «ایام نحسات» را در آیات مورد بحث به معنی

تفسیر نمونه، جلد: ۲۰، صفحه: ۲۴۱

روزهای پر گرد و غبار تفسیر کرده اند. و قوم عاد گرفتار چنین تند بادی شدند، به گونه ای که یکدیگر را با چشم نمی دیدند، چنانکه از آیه ۲۴ سوره احقاف نیز استفاده می شود، می فرماید: هنگامی که تند باد به سوی آنها حرکت کرد آنچنان تاریک و پر غبار بود که آنها گمان کردند ابری پر باران به سوی آنها می آید، ولی به آنها گفته شد این همان عذابی است که درباره آن عجله داشتید، این تندبادی است که در آن عذاب دردناکی نهفته است. به خواست خداوند درباره ایام سعد و نحس بحث مشروحتری در ذیل آیه ۱۹ سوره قمر خواهد آمد.

